مدیریت شهری
شماره پاییز و زمستان ۱۳۹۰
No.28 Autumn & Winter
۳۲۱-۳۳۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۸ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۳

ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی؛ مورد پژوهی: محله توحید، شهر بندرعباس

یاور رستم زاده*- عضو هیات علمی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

«سکونتگاه‌های خودرو» یا آنچه به رایج «اسکان غیررسمی» نامیده می‌شود، از مشکلات فراروی شهرهای امروزی خاصه در سطوح محلی بشمار می‌رود. بر این اساس، نوع، ماهیت و فرآیند مداخلاتی احتمالی و نحوه برخورد با آنها از جمله مفاهیمی است‌که جایگاهی ویژه در برنامه ریزی و مدیریت شهری داشته و دارد. جدای از رویکردها و روشهای برخورد با حاشینه نشینی و اسکان غیررسمی، لحاظ‌کردن دیدگاه و نگرش ساکنین محلی از مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار در فرآیند ساماندهی و توانمندسازی این سکونتگاه‌های غیر رسمی بشمار می‌رودکه در تحقیق حاضر مورد توجه قرارگرفته است. روش تحقیق مقاله حاضر، در مرحله ادبیات و مبانی نظری تحقیق، روش توصیفی و تحلیلی و با ابزارگرداوری داده: مطالعات‌کتابخانه ای و اسنادی است؛ در ادامه با روش مشاهده، مصاحبه عمیق و پرسشنامه در بستر مطالعات میدانی در سطح محله مورد نظر اقدام به بررسی و پیمایش محیط شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهدکه مشکل اسکان غیررسمی و نداشتن سند مالکیت به همراه فاضلاب معابر از مشکلات مهم برای موجود در محله می‌باشد. در همین رابطه نبود دسترسی امکان احداث سیستم فاضلاب و ارتباط‌دادن آن با سیستم فاضلاب شهری را غیرممکن می‌سازد. مشکل جمع‌آوری زباله نیز مربوط به مسئله عدم دسترسی است. همچنین عدم فرهنگ شهرنشینی، فقر و فساد در سطح محلی، عدم همبستگی اجتماعی و برخورداری از حداقل مولفه‌های کیفیت زندگی از دیگر مشکلات سطوح محله است‌که در پایان راهکارها و راهبردهایی برای توانمندسازی و ساماندهی امور محلی مورد اشاره قرارگرفته است.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، توانمندسازی، رویکردهای مداخله در اسکان غیررسمی.

Organizing and empowering informal settlements in urban areas with the attitude of local residents; case study: Tohid area, Bandar Abas

Abstract

Settlements car" or whatever the current "informal settlement" is called, the problems facing today's cities, especially at local levels are considered. Apart from the approaches and methods of dealing with predominantly informal settlements, considering the views and attitudes of local residents of the most influential component in the process of organizing and empowering the informal settlements is considered. The present study, the research literature and theory, descriptive and analytical methods and data collection tools: a library of studies and documents. The observation, in-depth interviews and questionnaires in the context of field studies at local level is required to review and navigate the environment. The result of the research show that Informal settlements and lack of ownership of the problem with sewage in the streets of the important problems for the neighborhood is; Access was not possible to construct the sewage system and connect it with the sewage system makes it impossible. Waste problem is also related to the issue of lack of access. The lack of urban culture, poverty and corruption at the local level, lack of social cohesion and quality of life of components having other problems at the neighborhood level is

Key word: informal settlement, enabling, Intervention approaches in informal settlements

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۱۵۲۵۷۰۴، رایانامه: rostamzade2010@yahoo.com

مقدمه

رشد روز افزون جمعیت در مناطق شهری جهان، امروزه به عنوان یکی از واقعیات نظام برنامه ریزی پذیرفته شده است و تلاش می‌شود از این واقعیت نه صرفا به عنوان یکی تهدید بلکه به عنوان یک فرصت جهت هدایت برنامه ریزی توسعه شهری استفاده شود. سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه همانند کشور ایران، بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. این رشد شتابان، مسائل و معضلات بسیاری برای این شهرها بدنبال داشته است. در این میان حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان آیینه تمام نمای مسائل شهری جایگاه و اهمیت خاصی دارد. طبق آمارهای موجود، حدود ۸ میلیون نفر از جمعیت ایران در این نوع سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند. این پدیده از دهه ۷۰ به بعد با گسترش ابعاد آن، نه تنها خود محدوده سکونتگاه‌های غیر رسمی، بلکه در برخی از موارد یک ناحیه و حتی منطقه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. البته باید یادآور شدکه در شرایط فعلی، در ایران تکیه اصلی بر ساماندهی سکونتگاه‌های موجود است. این نوع سکونتگاه‌ها جلوه‌کالبدی فقر بشمار می‌روندکه از لحاظ پویایی روند متفاوتی را طی می‌کنند. در هر حال در این مقاله به مقوله اسکان‌های غیررسمی با محوریت دید و نگرش ساکنین محلی پرداخته می‌شود و روشها و راهکارهای مداخلاتی در این رابطه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مواد و روش شناسی

۱. «**ماهیت تحقیق**»: این تحقیق از نوع «**ماهیت کاربردی**» است و روش تحقیق در این مطالعه توصیفی و تحلیلی با تأکید بر «**روش جامع‌نگری**» است‌که در انجام آن با توجه به ماهیت مطالب و نوع موضوع مورد مطالعه، اطلاعات به صورت مطالعات میدانی و استفاده از پرسشنامه باز و بسته و مطالعات‌کتابخانه‌ای و استفاده از آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران گردآوری گردیده است، داده‌های‌کسب شده پس از جمع‌بندی مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت یک نتیجه‌گیری منطقی بدست آمده است.

۲. «**روش توصیفی و تحلیلی**»: روش تحقیق در مرحله مبانی نظری و ادبیات تحقیق، «**روش توصیفی و تحلیلی**» بوده است که از «**ابزار گرداوری داده ها**»: «**مطالعات کتابخانه ای و اسنادی**» بهره برده است.

۳. «**روش پیمایشی**»: در مرحله بعدی نیز، این پژوهش به «**روش پیمایشی**» انجام شده و ابزار مورد استفاده «**پرسشنامه**» محقق ساخته بود و در نهایت داده‌ها با نرم افزار spss تحلیل شده‌اند. جامعه آماری، شهروندان مقیم محله ورودی شهر بندر عباس (محله توحید) بوده است‌که با استفاده از فرمول‌کوکران حاصل شده است.

۴. «**روش نمونه گیری**»: روش نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای است. به این ترتیب‌که از منطقه مورد نظر، بلوکی را انتخاب و با توجه به تعداد خانه‌های بلوک و حجم نمونه، تعداد خانه‌ها را بر حجم نمونه تقسیم‌کرده و عدد به دست آمده را به عنوان فاصله گرفته و اولین پلاک را بطور تصادفی انتخاب نموده است.

۵. «**جامعه آماری**»: تعداد نمونه‌های مورد پرسش با استفاده از فرمول کوکران ۱۳۷ عدد بوده است (تعداد پرسشنامه‌ها از طریق فرمول کوکران محاسبه گردیده است).

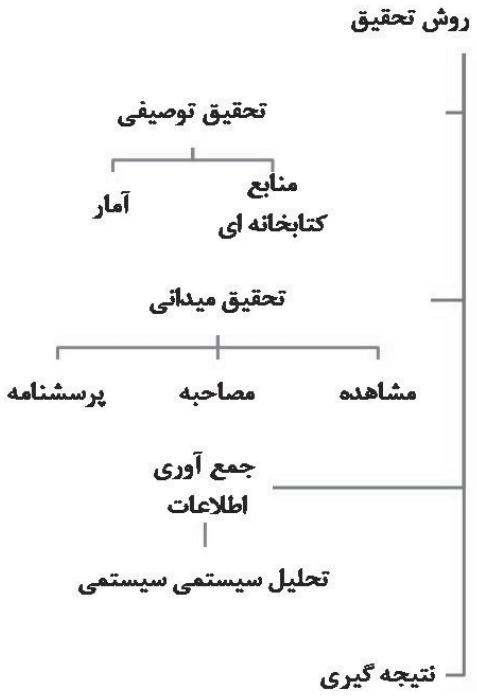

نمودار ۱. مراحل و فرآیند روش تحقیق؛ ماخذ: نگارنده.

۶. «**روش مصاحبه عمیق**»: در راستای شناخت بهتر محله مورد نظر و ارتقاء و توانمندسازی از روش مصاحبه عمیق بهره گرفته شد که نتایج آن به تفصیل بررسی گردید و در انتهای مقاله به اختصار اشاره شده است.

۷. «**مدل مفهومی تحقیق**»: نمودار زیر مراحل و فرآیند روش تحقیق در پژوهش موجود را نشان می‌دهد.

۸. «**چارچوب نظری**»: هر یک از نظریات، با نگرشی خاص به بررسی پدیده حاشیه نشینی پرداخته‌اند. برخی از اندیشمندان حاشیه نشینی را پدیده‌ای عمدتاً اقتصادی یا اجتماعی ـ فرهنگی در حالیکه برخی دیگرآن را نتیجه توسعه نابرابر شهر و روستا و نابرابری ساختی ـ مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه در نظر می‌گیرند. هنوز یک نظریه جامع و مانع که بتواند تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاشیه نشینی را تبیین کند ارائه نشده است. در این پژوهش از «**نظریه جاذبه دافعه**[1] **اورت لی**» استفاده شده است. در نمودار زیر نظریه لی نمایش داده شده است. عوامل کشش (جاذبه) با علامت +، عوامل رانش (دافعه) با علامت ـ، و عوامل مداخله‌گر (خنثی) با علامت o مشخص شده‌اند. در کنار عوامل مرتبط با مقصد و مبدأ در هر ناحیه و عوامل میانی، تعداد زیادی از عوامل شخصی وجود دارد که بر روی آستانه فردی تاثیر می‌گذارند و می‌توانند مهاجرت را تسهیل یا به تعویق اندازند. این عوامل، متغیرهای اصلی واقعی در مبدا و مقصد نیستند، بلکه ادراک و استنباط از این عوامل است که می‌تواند منجر به مهاجرت شوند. حساسیت و هوش شخصی و آگاهی از شرایط در ارزیابی موقعیت مبدأ دخالت می‌کند و آگاهی از شرایط در مقصد به تماس‌های شخصی با منابع اطلاعاتی بستگی دارد. بعلاوه خصوصیات فردی مانند نگرش به سمت تغییر، ماجراجویی، شجاعت، عوامل هیجانی، جاه طلبی‌ها و غیره در تصمیم‌گیری به مهاجرت تاثیر می‌گذارند.

ادبیات تحقیق

تعاریف حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی

در زمینه یافتن نام مناسب برای اینگونه سکونتگاههای مورد نظر نیز توافق همگانی وجود ندارد و از تعابیر «**اسکان نابسامان و غیررسمی**»، «**اسکان خود انگیخته**»، «**اسکان غیرمتعارف**»، «**اسکان نابهنجار**»، «**حاشیه نشین و آلونک نشین**» و غیره یاد می‌شود. «**اسکان غیررسمی**» به مثابه یکی از چهره‌های بارز فقر شهری تعریف شده است که درون یا مجاور شهرها به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشارکم درآمد و سطح نازلی ازکمیت وکیفیت زندگی شکل می‌گیرد و همان پدیده‌ای است که با عناوینی هم چون حاشیه نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاههای خودرو و نابسامان و اجتماعات آلونکی خوانده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱، ص ۵).

بنابراین تعاریف متفاوتی نیز در مورد حاشیه‌نشینی وجود دارد؛ برخی از تعاریف حاشیه‌نشینی در اینجا بررسی می‌شود:

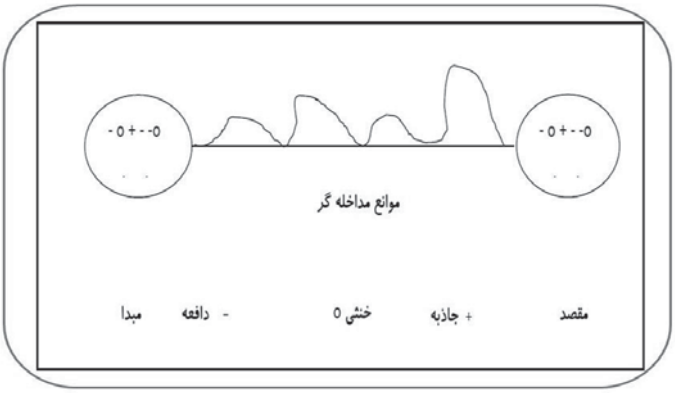

نمودار ۲. چارچوب نظری تحقیق؛ ماخذ: نگارنده بر اساس اورت لی، ۱۹۸۹.

1. Push & Pull Theory

۱. «**حاشیه نشینی**» عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکن ولی از نظر درآمد و بهره‌گیری از امکانات و خدمات شهری در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند. آنها به عنوان نمونه ای از نامتجانس‌ها شناخته شده‌اند که درباره مسائل آینده شهرها و سکونتگاهها از آنها هیچ نظری خواسته نمی‌شود و کاملا بی‌تفاوت هستند (Halfacree, 2001:23)

۲. حاشیه‌نشینان به کسانی اطلاق می‌شود که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروهای دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری وکمتر عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود رانده و به شهرها روی آورده‌اند. از آنجایی که اکثریت این گروه‌ها بیسواد و مهارت لازم را جهت جذب در بازارکار شهر ندارند، عامل پس ران شهری نیز آنها را از شهر به حاشیه کشانده است (منصور و آیت اللهی به نقل از عسگری طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲).

۳. حاشیه‌نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر، و کمتر شهری هستند که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و بعضاً غیر ماهرند. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود وکمتر به علت عوامل جاذب شهری زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یکسو و بر اثر عوامل پس‌ران شهری از سوی دیگر، از محیط‌های شهری پس زده می‌شوند و به تدریج درکانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌های از شهر سکنا می‌گزینند، به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری، مغایر و مالکیت آن غالباً غصبی است و از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی نیز متمایز هستند (زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۱۱).

۴. حاشیه نشینان کسانی هستند که در سکونتگاههای غیر متعارف با ساکنین بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند، گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه چون فقر و بیکاری وکم‌تر عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود ـ روستا، ایل یا شهر ـ رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند. از آنجا که اکثریت این گروهها بی سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازارکار شهر ندارند، عامل پس ران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است (منصوریان و آیت اللهی، ۱۳۵۶، ص ۲).

۵. حاشیه‌نشین از لحاظ جامعه‌شناسی یک شیوه زندگی است که خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزشها و هنجارها که در محلهایی با بهداشت و سلامت کم، با کجرویهای اجتماعی و مشخصات دیگری که انزوای اجتماعی و طرد شدن را به دنبال دارد، به اجرا در می‌آید (کلینارد به نقل از زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

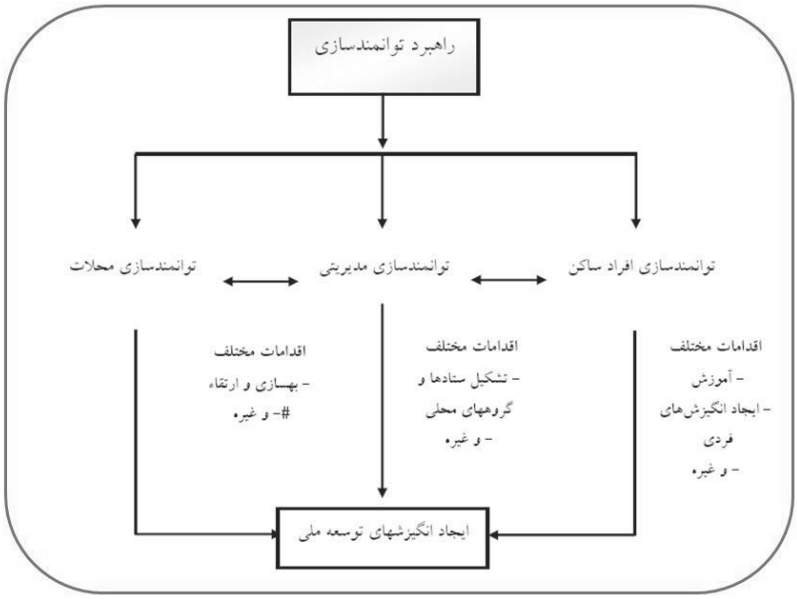

نمودار ۳. راهبرد توانمندسازی؛ ماخذ: رفیعیان، ۱۳۸۲، ص ۴۶.

جدول ۱. درصد و میزان اسکان غیر رسمی در جهان؛ ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۹.

	کل جمعیت شهری (میلیون)	درصد جمعیت شهری از کل جمعیت	جمعیت زاغه‌نشین شهری (میلیون)	درصد جمعیت زاغه‌نشین از کل جمعیت شهری
جهان	۲۹۲۳	۴۷/۷	۹۲۴	۳۱/۶
کشورهای پیشرفته	۶۴۳	۸۲/۱	۲۹	۴/۵
کشورهای در حال گذار	۲۵۹	۶۲/۹	۲۵	۹/۶
کشورهای در حال توسعه	۲۰۲۲	۴۰/۹	۸۷۰	۴۳/۰
شمال آفریقا	۷۶	۵۲	۲۱	۲۸/۲
حوزهٔ صحرای آفریقا	۲۳۱	۳۴/۶	۱۶۶	۷۱/۹
آمریکای لاتین و کارائیب	۳۹۹	۷۵/۸	۱۲۸	۳۱/۹
آسیای شرقی	۵۳۳	۳۹/۱	۱۹۴	۳۶/۴
چین	۴۷۲	۳۶/۷	۱۷۸	۳۷/۸
سایر بخش‌های آسیای شرقی	۶۱	۷۷/۱	۱۶	۲۵/۴
آسیای جنوب مرکزی	۴۵۲	۳۰/۰	۲۶۲	۵۸/۰
هندوستان	۲۸۶	۲۷/۹	۱۵۸	۵۵/۵
سایر بخش‌های آسیای جنوب مرکزی	۱۶۶	۳۴/۵	۱۰۴	۶۲/۷
آسیای جنوب شرقی	۲۰۳	۳۸/۳	۵۷	۲۸/۰
آسیای غربی	۱۲۵	۶۴/۹	۴۱	۳۳/۱
اقیانوسیه	۲	۲۶/۷	۰	۲۴/۱

۶. عدم جذب حاشیه‌نشینان در نظام اقتصادی – اجتماعی شهر، حاکی از آن است‌که به عنوان شهروندان رسمی و مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند، از این رو نیز در حاشیه خدمات و تسهیلات زندگی عمومی و زیربنایی شهر قرار دارند. حاشیه‌نشینان شهری از ابعاد مختلف زندگی یعنی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی از جامعه شهری متمایز می‌شوند و در واقع از محروم‌ترین اقشار جامعه‌شهری به حساب می‌آیند و به اعتبار همین محرومیت شدید در برابر هر گونه آسیب‌اجتماعی بی‌دفاع هستند (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

۷. به طورکل منظور از حاشیه نشینان، کسانی هستندکه در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده‌اند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۶) و خود شیوه جدیدی از زندگی را به وجود آورده‌اند که نسبت به سه شیوه ی رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی هایی اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰، ص ۶۴).

علل و عوامل بروز اسکانهای غیررسمی در جهان سوم

در تحلیل مکانیسم ایجاد فضاهای مساله‌دار شهری شهری (اجتماعات غیررسمی) در قالب یک رابطه علت و

معلولی با بسیاری از جریانات و تصمیمات اتخاذشده در سطح جامعه ارتباط برقرار است.

۱. «**عوامل ساختاری جامعه**»: در این رویکرد بحث ایجاد اسکان‌های نابسامان شهری، در درون جریان تولید فقر و ساختار ناکارآمد حاکم بر جامعه تحلیل می‌شود.

۲. «**علل سازمانی**»: در کنار دیدگاه ساختاری برخی از صاحب‌نظران فقدان نظام یکپارچه مدیریت توسعه شهری و ناکارآمدبودن سیستم اداری جامعه را مولد اصلی بروز این اسکان‌ها تلقی می‌کنند.

۳. «**فقدان سیستم‌های حمایتی و مشارکتی**»: برخی دیگر علت اصلی پیدایش اسکان‌های نابسامان شهری را ناکارآمدی نظامهای حمایتی (اعطای وامهای اعتباری و غیره) و ناتوانی در بکارگیری توانمندیهای محلی تصور می‌کنند و آن‌را عامل مهمی در ایجاد و تشدید این گرایش نامطلوب شهری می‌دانند. به نظر اینان تقویت چتر حمایت‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی (در قالب نهادهای مردمی) می‌تواند عاملی در جهت کنترل این نواحی باشد.

۴. «**فعالیت‌های باندهای (مافیایی) نامشروع زمین**»: عدم کنترل و نظارت بر مصرف درست زمین، که عامل کمیابی در نواحی شهری محسوب می‌گردد بعنوان عاملی در ایجاد و گسترش اسکانهای غیر رسمی تلقی می‌شود.

۵. «**ناکارآمدی سیاستهای تامین مسکن**»: در جهت برخورد با معضل رشد سریع اسکانهای نابسامان و غیررسمی شهری، توسط دولتها سیاستهای متفاوتی در دستورکار قرار گرفته است که از بدبینانه‌ترین حالت که عموماً توسل به قوه قهریه و تخریب این مناطق است شروع و تا انجام اقدامات اصلاح‌طلبانه (مداراجویانه) ادامه پیدا می‌کند.

دیدگاه‌های مربوط به حاشینه نشینی و اسکان غیررسمی

بنابر اعلام «**مرکز اسکان بشر ملل متحد**»[2] در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه ای در شأن زندگی انسان بودندکه دامنه‌گسترده‌ای از بی سرپناه‌ها و خیابان خواب‌ها تا آلونک نشینان را در بر می‌گرفت. نگران کننده‌تر اینکه این نسبت و تعداد برای کشورهای جنوب در حال افزایش بوده به طوری که در منطقه با رونق اقتصادی آسیا ـ اقیانوسیه، حدود ۶۰ درصد جمعیت شهری در سال ۲۰۰۰ بدین گونه مسکن گزیده‌اند. (صرافی، ۱۳۸۱، ص۵) در همین ارتباط کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱ میلادی هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری درکشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه‌ی اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را «**غیر رسمی شدن شهرنشینی**» نامیده است

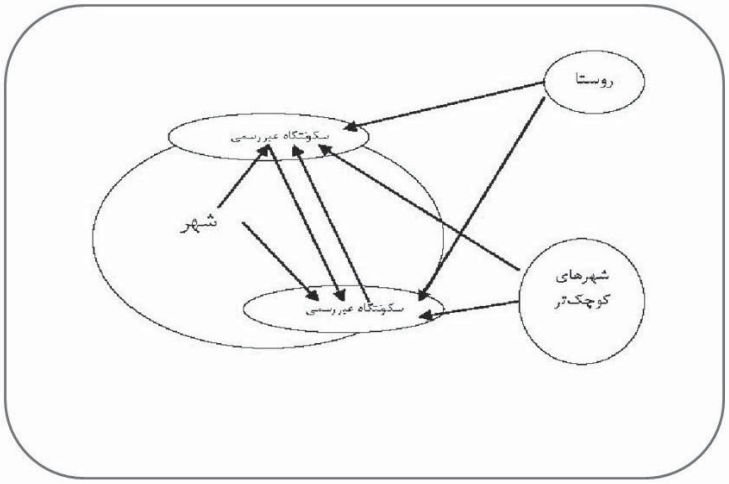

نمودار ۴. روندهای مهاجرتی منجر به شکل گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران؛ ماخذ: نگارنده.

2. Habitat

(صرافی، ۱۳۸۱، ص ۵).

در تبیین علل شکل گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی، مکاتب و اندیشمندان بسیاری به ارائه دیدگاه هایشان پرداخته‌اند، که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. «**دیدگاه لیبرال**»: «**استاکس**» برای نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ دو اصطلاح «**آلونک‌های امید**»[3] و «**آلونک‌های ناامیدی (یأس)**»[4] را مطرح می‌کند تا ترسیم مرز مشخصی بین جوامع فقیر موفق (رو به ترقی) و ناموفق (رو به زوال) باشد. آلونک‌های امید روند رو به بهبود و آینده‌ای روشن را دنبال می‌کنند در حالی که آلونک‌های یأس در قهقرا و زوال به سر می‌برند. این نظریه استاکس در حالی بود که پیش از آن نگرش بدبینانه به محلات فقیرنشین شهری و به موجب آن موجی از تخریب و پاکسازی این محلات به وجود آمد. پس از استاکس چند چهره ی عموماً دارای دیدگاه لیبرالی انگاره‌های رایج را به چالش کشیده و نوید نگرشی نو را در این زمینه دادند. از مهمترین و مشهورترین چهره‌های این نوع دیدگاه، «**جان اف ترنر**»[5] است که با مقاله مشهور خود تحت عنوان «**سکونتگاه‌های شهری کنترل شده**» به مطالعه سکونتگاه‌های غیر رسمی جهان سوم، به ویژه امریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا پرداخته است. مهمترین توصیه وی از جنبه سیاست‌گذاری آن بود که دولت‌ها باید به خودیاری فقرا کمک کنند تا آنان خود بتوانند شرایط خود را بهبود بخشند.

۲. «**دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا**»: برخلاف دیدگاه لیبرالی، اقتصاد سیاسی فضا به علل پیدایش سکونتگاه‌های مختلف پرداخته و می‌کوشد با ریشه مسئله درگیر شود. این دیدگاه حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم برکار، تولید و توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و سرانجام تغییر بنیادین جوامع جست وجو می‌کند و لذا دستورالعملی برای برخورد مقطعی و موردی برای پدیده اسکان غیر رسمی ندارد و نسخه‌های موردی و مقطعی را کارساز نمی‌داند، در بهترین حالت آن‌ها را تسکینی می‌پندارد که چه بسا ریشه درد را نیز مخفی می‌کند (پیران، پرویز ۱۳۷۴، ص ۹۷). این گروه را بنیادگرا می‌خوانند.

۳. «**دیدگاه غیر لیبرال**»: در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بر خلاف اندیشمندان لیبرال، گروه دیگری از متفکران بیان می‌دارند که الگوی توسعه ی وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگونی را به دنبال دارد و به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شتاب می‌گیرد. در این دیدگاه، اسکان غیر رسمی شهری در واقع فرایند انتقال فقر و محرومیت روستا به شهرها است.

۴. «**دیدگاه جامعه گرایی نوین**»: از دیدگاه‌اندیشمندان این نحله فکری، سکونتگاه‌های غیر رسمی و پیدایش گروه‌های حاشیه ای و فقیر در جامعه‌های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه است، و پیامد قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه داری، یعنی تمرکز و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی است. بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است(حاج یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). مانوئل کاستل مانند اکثر اندیشمندان آمریکای لاتین حاشیه نشینی شهری را مولود نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستا به روستا می‌داند. وی معتقد است که میزان جمعیت‌های حاشیه نشینی و فقرای شهری حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت شهرهای بزرگ آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهد.

رویکردها و رهیافتها به حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی

همچنین می‌توان به رویکردهای زیر اشاره داشت؛ چنانچه از اوایل قرن بیستم که مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی مورد توجه جدی قرار گرفت رویکردهای مختلفی برای حل مسئله اسکان غیررسمی در دستورکار قرارگرفت. عمده این رویکردها در ادامه می‌آیند:

3. Slum of Hope
4. Slum of Despair
5. John F.Turner

الف ــ نادیده گرفتن[6]

ب ــ حذف و تخلیه اجباری[7]

ج ــ خودیاری[8]

د ـ مسکن عمومی[9]

ه ــ مکان و خدمات[10]

و ـ ارتقا بخشی (بهسازی)[11]

ی ــ توانمندسازی[12]

در اواخر دهه ۱۹۷۰ یک شیوه جدید از جانب بانک جهانی

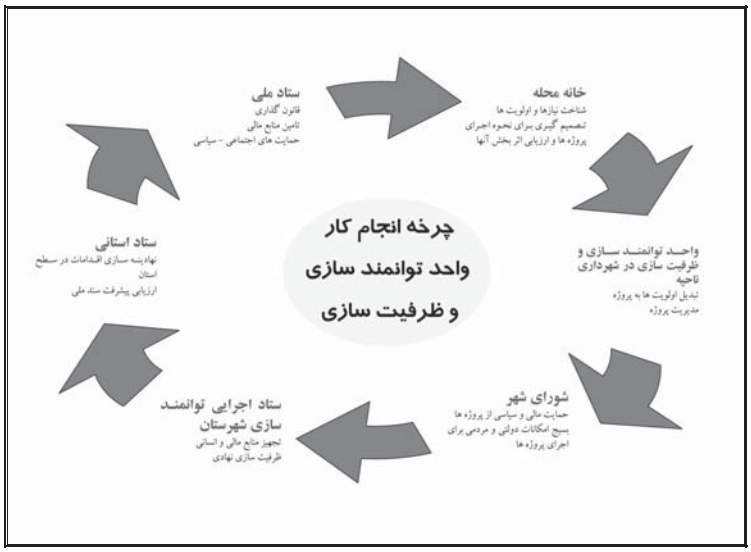

نمودار ۵. مراحل توانمندسازی و برخورد با اسکان‌های غیر رسمی؛ ماخذ: نگارنده.

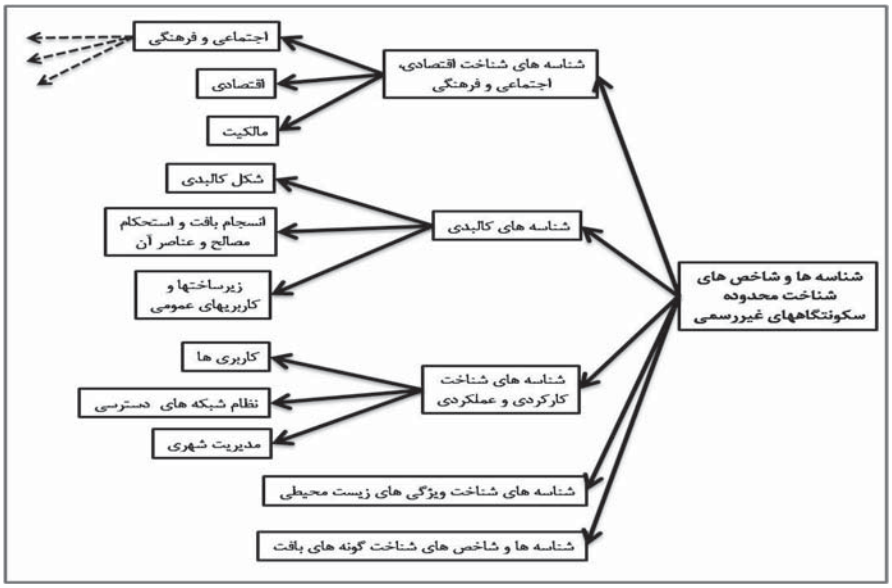

نمودار ۶. شناسه‌ها و شاخصهای تعیین سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ ماخذ: نگارنده.

6. negligence
7. force eviction
8. self helping
9. public housing
10. site and service
11. upgrading
12. Enabling

و سازمان ملل متحد و مؤسسه بین‌المللی ایالات متحده (USAFD) به تدریج اتخاذ شدکه بر اساس آن، دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می‌یابند. در واقع توانمندسازی، ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسه بخش مسکن است. ارتقابخشی همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافتی نوین برای حل مسأله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تنها، تزریق منابع مالی را راهگشا نمی‌داند، بلکه بر مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال افراد جامعه محلی نیز، تأکید فراوان دارد (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

جمع بندی ادبیات و مبانی نظری

از آنجایی که پدیده حاشیه نشینی در ایران پدیده‌ای است که دارای پیشینه‌ای درازمدت می‌باشد. نکته حایز اهمیت تفاوت این شکل از سکونت در ایران با سکونتگاه‌های غیررسمی در سایر نقاط جهان می‌باشد. در این راستا سیاستهایی جهت مقابله با حاشیه‌نشینی قبل و بعد از انقلاب تحت عناوین راهبردهای کوتاه- مدت و بلندمدت تعریف می‌گردد که در تمامی این راهبردها علت اصلی گسترش این شکل از اسکان عدم توجه به اقشار کم‌درآمد در برنامه‌ریزیهای کالبدی و خصوصا در بخش شهری مسکن به شمار می‌آید. بنابراین علاوه بر تدوین و اجرای برنامه‌های درازمدت و مناسب و پرهیز از اقدامات آنی به اصلاح بافتهای کالبدی پرداخت. در همین ارتباط توجه به ساکنین غیررسمی وکم‌درآمد در مراحل مختلف تهیه برنامه تهیه طرح و اجرا حایز اهمیت می‌باشد. که در غیر این صورت هرگونه اقدامی منتهی به شکست خواهد شد. با توجه به اینکه یکی از نیازهای اصلی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی مسکن به شمار می‌آید تحقق آرمان شهر سالم و پاک و عاری از زاغه تنها درگرو سیاستگذاریها و برنامه‌هایی است که در آن با دیدی شهرنگر به اقشار کم‌درآمد ساکن نگریسته شده و عوامل ساختاری و اقتصادی و اجتماعی در تمامی فرایند برنامه‌ریزی مسکن مورد توجه قرارگیرد. در این مقاله با توجه به استراتژیهای ارایه شده شامل استراتژی عدم توجه به بافتهای موجود، استراتژی تغییر ساختار برنامه‌ریزی، استراتژی بازدارندگی و کنترل، استراتژی تخریب و پاکسازی، استراتژی ساماندهی، استراتژی توانمندسازی با توجه به اینکه ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی نیروی عظیمی در روند فعالیتهای اقتصادی شهر به حساب می‌آیند. روش توانمندسازی با تکیه بر توان بالقوه ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی به جای کمک مستقیم و استفاده از منابع مالی مستقیم ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارتهای لازم و امکان دسترسی به ابزارکار و ایجاد زمینه‌های اشتغال، بهبود سطح زندگی ساکنین مدنظر می‌باشد. در ارتباط با روش‌شناسی و شیوه مداخله در محدوده مطالعاتی نیز از روش مصاحبه مستقیم و عمیق، تکمیل پرسشنامه‌های خانوار جهت ارایه نگاه ساکنین و افراد ساکن، گروه‌های محلی، مسوولین و سازمانهای درگیر با مساله اسکانهای غیررسمی در محله جهت تعیین نوع استراتژی برخورد در سطح محله استفاده خواهد شد.

در مجموع برای برخورد با مساله اسکان غیررسمی، چهار رهیافت عمده به شرح جدول شماره ۲ مطرح می‌باشند:

همچنین می‌توان به جدول شماره ۳ اشاره کرد که دیدگاه‌ها و نگرشهای برخورد ومداخله در اسکان‌های غیررسمی را نشان می‌دهد.

اما مجموعه تجربیات، سیاست‌ها و رویکردهای بکار گرفته شده در برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران بطور خلاصه در جدول شماره ۴ آمده است:

بیان یافته‌ها و ارائه پیشنهادات

بر این اساس و بعد از تجمیع و گرداوری پرسشنامه از ساکنین محلی به فهرست بندی مشکلات حاشیه نشینان از مناطق معطوف به اسکان غیر رسمی ایشان اقدام شدکه اهم نتایج حاصل از پرسشنامه عبارتند از:

۱. «**مشکلات زیست محیطی**»: در بررسی شرایط زیست

نمودار ۷. نحوه استقرار و مکان ایجاد سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. رهیافت‌ها و راه کارهای حل مشکل اسکان غیررسمی؛ ماخذ: صرافی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰

با نگرش محافظه کارانه	پدیده را باید ریشه کن نمود.
با نگرش لیبرال	پدیده را باید رها کرد
با نگرش رادیکال	پدیده را باید ریشه ای حل نمود
با نگرش اصلاح گرا	پدیده باید اصلاح شود

مدیریت شهری
دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۹ بهار و تابستان ۱۳۹۱
No.29 Spring & Summer

جدول ۳. دیدگاه‌های مختلف، نگرش، دوره‌های زمانی و نحوه برخورد با اسکان غیر رسمی؛ ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۵، ص۱۴۶

دیدگاه	نگرش	دوره	نحوه برخورد
لیبرالیسم	مسئله ای گذرا	تا دهه ۱۹۶۰	نادیده گرفتن
محافظه کار	غده ای چرکین	۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰	تخلیه و تخریب
رادیکال	ریشه در نظام نابرابری سرمایه داری	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	خودیاری
نئولیبرالیسم	رویکرد قانونی و بوروکراتیک	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	مسکن عمومی
اسکار لوئیس	فرهنگ فقر	۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	بهسازی
چارلز آبرامز	تغییر در نگرش نهادهای بین المللی	۱۹۹۰ تا کنون	توانمندسازی

جدول ۴. رویکردهای حل مساله اسکان غیررسمی در ایران؛ ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴

سیاست/رویکرد	مصداق	دوره اصلی رواج	نتیجه
نادیده گرفتن	جنوب تهران	پیش و پس از انقلاب	رشد سکونتگاههای غیررسمی
پاکسازی	جنوب تهران-خاک سفید	دوره انقلاب دهه هفتاد	جابجایی خانوارها تشکیل محله های جدید
مسکن عمومی	کوی نهم ابان	در دوران مختلف بویژه پس از انقلاب	فروش و واگذاری مسکن از سوی کم درآمدها
سیاستهای بخشی مختلف مسکن	قانون تامین مسکن کم درآمدها (۱۳۷۲)	پس از انقلاب	عدم پوشش مناسب نبود ارزیابی مشخص
مکان-خدمات و آماده سازی	تمام شهرهای ایران	دهه ۱۳۶۰	عدم پوشش کم درآمدها
شهرهای جدید	کلانشهرها	دهه ۱۳۶۰ و اوائل هفتاد	عدم جذب و شمول فقرا
بهساری و توانمندسازی	بندرعباس-کرمانشاه و زاهدان	دهه ۱۳۸۰	-

محیطی محله توحید یکی از مسائل مهم و حائز اهمیت نحوه دفع فاضلاب خانگی است. دفع فاضلاب خانگی در بیش از ۷۰٪ بدون رعایت اصول صحیح و با رها شدن فاضلاب خانگی به حیاط و خیابان‌های محله و ۳۰٪ به روش چاه جذبی می‌باشد. همچنین به دلیل شیب کم و هموار بودن سطح خیابان‌ها و معابر، آب گرفتگی به وفور قابل مشاهده است. از دیگر مسائل، کم آبی و گرمای هوا درفصل تابستان است. کمبود آب به دلیل جمعیت بالای ساکن است. از دیگر مسائل زیست محیطی نحوه و زمان جمع آوری زباله و پسماندها است، که به صورت سنتی انجام می‌شود. به طورکل آلودگی هایی که در محله ناشی از شرایط زیست محیطی نامطلوب است، بدین شرح است:

- بوی نامطبوع ناشی از انباشت زباله و جاری شدن شیرابه از زباله‌ها و پسماندها؛
- ناهنجاری‌های دیداری ناشی از انباشت زباله و نخاله ساختمانی در زمین‌های خالی و حاشیه؛ و
- آلودگی آب و خاک ناشی ازکفسازی نامطلوب معابر و خیابان‌ها و ایجادگل ولای در محلات.

«**مشکلات کالبدی**»: در بخش مربوط به تحلیل کالبدی نیز بدلیل تأثیرالگوی مصرف مصالح بر قیمت تمام‌شده ساخت و سیمای ظاهری درکل شهر و حتی در سطح این محله بنظر می‌آید استاندارد خاصی در رابطه با استفاده مناسب از مصالح ساختمانی وجود نداشته و به ندرت، آنهم در قسمتهای بیرونی و در لبه‌کناری بلوار امام حسین مشاهده می‌گردد که در قسمت پیشنهادات ارایه شده توجه به رشد و تعالی فرهنگ مقاوم‌سازی به همراه اجبار خانوارهای ساکن جهت سنددار کردن سکونتگاه‌های غیررسمی الزامی‌به در نظر می‌آید. ۸۰٪ از واحدهای مسکونی عمر سی سال و بالاتر از آن دارند. متوسط میانگین قطعات ۸۶ متر است. در بررسی تراکم ساختمانی واحدهای مسکونی، میانگین متوسط تراکم ساختمانی با ۴۳۳ قطعه مسکونی ۱۵۰/۲۹ متر مربع می‌باشد. بنابراین با توجه به ساختار سنی جوان و بالا بودن میزان جمعیت، عدم وجود فضاهای فرهنگی همچون کتابخانه و فرهنگسرا بیشتر احساس می‌گردد. همچنین در این سکونتگاهها مراکز تجاری خاص وجود ندارد و به صورت فضاهای مختلط مسکونی و تجاری هستند و عمده‌ترین فضاهای تجاری در دو لبه خیابان اصلی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد عدم وجود

مکان‌های مناسب برای اجتماع ساکنین، پارک محلی و پاتوق محلی ساکنین به ویژه برای جوانان در شهرک از نیازهای ضروری است. علی رغم وجود باغات در میان واحدهای مسکونی، محله از لحاظ فضای سبز تفریحی مانند پارک با کمبود مواجه است و در زمینه تجهیزات شهری، تعبیه مبلمان‌های شهری همچون آبخوری، نیمکت، وسایل بازی و سالن‌های ورزشی احساس می‌شود که وجود این تجهیزات در ارتقای کیفیت فضای شهری و تقویت مکان‌های تجمع محلی می‌تواند موثر واقع گردد.

۲. «**مشکلات اجتماعی و جمعیتی**»: وجود تفرق و عدم همبستگی اجتماعی، پایین بودن سطح فرهنگ شهرنشینی، عدم برخورداری از مناسبات فرهنگی واحد، فقر و سطح پایین فرهنگ شهروندی همراه با پایین بودن کاربری‌های فرهنگی و مذهبی در نواحی حومه از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. «**مشکلات اقتصادی**»: در بخش اقتصادی، وضعیت در زمینه‌های اقتصاد زمین و ساختمان، اقتصاد خانوار، اقتصاد کار و نیروی انسانی و اقتصاد تولید و فعالیت مورد بررسی قرار گرفته است. گزینه مشکلات اقتصادی و معیشتی در محل سکونت سابق ساکنان از دلایل مهاجرت جمعیت تشخیص داده شده است. در همین حال گزینه متولد شدن در این مکان و وابستگی به این محل دارای کم‌ترین اهمیت بوده که این خود نشان می‌دهد که ساکنین در صورت داشتن توان مالی بالاتر از محله مذکور به مکان دیگری مهاجرت خواهند کرد. بررسی درآمد ماهیانه خانوار نشان می‌دهد که در حدود ۸۰٪ از خانوارهای ساکن در این محله از سطح درآمدی سه میلیون ریال و پائین‌تر برخوردارهستند که در نتیجه بالا بودن نرخ بیکاری بار تکفل خانوار نیز در این محله بسیار بالاتر از میانگین‌های پذیرفته شده است به طوری که بار تکفل خانوار (۵/۷۳٪) و از میانگین نقاط شهری بسیار بالاتر است. در نتیجه به دلیل پائین بودن درآمد از یک سو و بار تکفل خانوار (۵.۷۳٪) از سوی دیگر، اقتصاد این خانوارها یک اقتصاد معیشتی است که نمود آن نیز در عدم بهره مندی آنان از امکانات رفاهی وکالاهای مصرفی با دوام مشخص است.

مطالعات میدانی نشان می‌دهد که بالاتر از ۹۰ درصد از فعالیت‌های موجود عمرانی و خدماتی در این محله و سایر محلات شهر توسط این سازمانها انجام می‌پذیرد. بدلیل ساخت بخشی[13] نظام برنامه‌ریزی کشور، نهادهای مرتبط با فعالیت‌های عمرانی و خدماتی نیز بصورت کاملاً بخشی حرکت می‌کند بعبارت دیگر هر سازمان بنا به اهداف و وظایف سازمانی مصوب خود، بدون سنجش تأثیرات متقابل عملکردی، حرکت‌های عملیاتی خود را اجرا می‌کند. در ارتباط با تحلیل اجتماعی و اقتصادی، با توجه به وضعیت موجود، محله توحید با هر شاخص و معیاری که درنظر گرفته شود حقیقتی کاملاً ناپایدار و نامتعادل است. فقر خدماتی، عدم انسجام اجتماعی، فقر نسبی اقتصادی، فقدان دسترسی به فرصت‌های موجود شهری در برخی ابعاد خود (نظیر دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی)، ناپایداری زیست‌محیطی و بویژه وخامت اوضاع بحرانی آن در سطح محله، ناپایداری الگوی ساخت مساکن به همراه طیف گسترده‌ای از مشکلات دیگر شرایطی را حادث آورده که ضرورت اتخاذ و تدوین برنامه‌های مناسب مداخله‌ای برای محلات فقیرنشینی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

در سایر بخشها نظیر وضعیت فاضلاب، نبود امکانات اوقات فراغت، نبود روشنایی در سطح محله و ... نیز وضعیت به همین منوال می‌باشد و باید ابتدا با نهادسازی و ظرفیت‌سازی به افزایش مشارکت جامعه‌ای و با انجام اقدامات عملی به حضور مؤثرتر مردم و گروههای اجتماعی در شناخت و هدایت برنامه‌های معطوف به توسعه اجتماعی، ضمن ایجاد تعلق محله‌گی و ارتقاء انسجام اجتماعی پرداخت. در جهت ظرفیت‌سازی و توانمندسازی برنامه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و کالبدی برای حصول به اهداف واستمرار نتایج خود نیازمند ارتقاء ظرفیت‌های لازم و مؤثر هستند. این ظرفیت‌ها می‌باید در سطح شهر و محلات فقیرنشین شناسایی وبرنامه‌ریزی شده و مورد استفاده قرارگیرد.

در زمینه نظرسنجی از ساکنین محلی نیز می‌توان اشاره داشت که:

13. Sectoral

۱. «**مسائل اقتصادی**»: بر اساس یافته‌های تحقیق، بیش از ۸۴ درصد شهروندان، مهاجرت‌های خود و واسکان خود را نه تنها در تامین نیروی کار مفید نمی‌دانند، بلکه آنها را موجب کاهش فرصت‌های شغلی دانسته و معتقدند که بیشتر شاغلین در مشاغل کاذب و نامناسب (مثلا دست فروشی ها)، مهاجرین روستایی هستند.

۲. «**مسائل فرهنگی**»: عدم تطبیق با محیط شهری محله موجب می‌شود که مهاجرین احتمالی و موجود بطور کامل در نظام اجتماعی شهر ادغام و پذیرفته نشده و نوعی احساس گسست و بیگانگی و عدم تعلق به شهر داشته باشند که در نهایت به بروز مسائل و مشکلاتی در زندگی شهری، هم برای شهروندان و هم خود مهاجرین منجر می‌شود. تحقیق حاضر نشان داد که این امر از دید شهروندان محله توحید کاملا صادق است؛ بطوری که بیش از ۹۰ درصد شهروندان معتقدند که مهاجرین محله بر اساس ارزش‌های سنتی خود عمل می‌کنند و توجه چندانی به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه شهری ندارند. علاوه بر این، به زعم آنها، مهاجرین نه تنها حقوق شهروندی را رعایت نمی‌کنند، بلکه احساس تعلق شهروندی شان نیز بسیار پایین است.

۳. «**مسائل اجتماعی**»: نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر بیانگر این است که از دید شهروندان محله، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر، بیشتر توسط مهاجرین جدید انجام می‌گیرد. بعلاوه آنها، عامل اصلی درگیری‌ها و دعواها و ولگردی‌های سطح شهر را مهاجرین روستایی می‌دانند. در واقع آنها (بیش از ۸۰ درصد) مهاجرت‌های روستایی را باعث افزایش جرم و انحراف دانسته و معتقدند که مهاجرت‌های روستا- شهری باعث تشدید مشکلات شهر می‌شود.

از یافته‌های تحقیق در مورد چگونگی دید شهروندان محله نسبت به وضعیت موجود و مهاجرین احتمالی جدید می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در حالت کلی دید نسبت به مهاجرین، منفی است. تحلیل‌ها نیز نشان داد که: میانگین نگرش به مهاجرین برابر ۳۳/۲ و سطح معنی داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. چون سطح معنی داری آزمون کوچکتر از ۰۵/۰ است فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میانگین نگرش به مهاجرین کمتر از ۳ (یعنی کمتر از حد متوسط) است؛ یعنی نگرش منفی است. نکته قابل ذکر این است که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان یعنی سکونت در منطقه‌های محتلف برخی از اماکن محله و نوع نگرش به مهاجرین رابطه وجود ندارد.

در تحلیل تحصیلات ضریب همبستگی اسپیرمن برابر ۱۵۸/۰ و سطح معنی‌داری آزمون ۱۱۸/۰ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگتر از ۰.۰۵ است فرض مستقل بودن متغیرها تأیید می‌شود. در تحلیل تأثیر شغل جدول آنالیز واریانس مجموع مربعات، درجات آزادی، میانگین مربعات، آماره F و سطح معنی داری آنالیز واریانس محاسبه شده است. با توجه به بزرگتر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس (۲۸/۰) از ۰۵/۰، فرض صفر تأیید می‌شود. در نتیجه نگرش به مهاجرین جدید در افراد دارای مشاغل مختلف تفاوت معنی داری ندارد.

اما بین ویژگی‌های دموگرافیک جنس و سن با نوع نگرش به مهاجرین، رابطه وجود دارد. در تحلیل تاثیر جنس، میانگین نگرش به مهاجرین در بین زنان ۴۶/۲ و در مردان ۲۱/۲ و سطح معنی‌داری آزمون ۲۲/۰ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t که کمتر از ۰۵/۰ است فرض صفر (برابر بودن میانگین نگرش به مهاجرین در بین زنان و مردان) رد می‌شود. یعنی نگرش به مهاجرین در بین زنان بیشتر (مثبت تر) از می‌باشد. و در تحلیل رابطه سن ضریب همبستگی اسپیرمن برابر ۲۹/۰- و سطح معنی‌داری آزمون ۰.۰۰۴ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون پیرسون کمتر از ۰.۰۵ است فرض مستقل بودن متغیرها رد می‌شود یعنی بین نگرش به مهاجرین و سن رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد. با افزایش سن نگرش منفی تر می‌شود.

نتایج حاصل از **مصاحبه عمیق** صورت گرفته در سطح محله نیز نشان داد که:

با توجه به جایگاه و نقش مردم و گروه‌های مردمی در امر کاربرد استراتژیهای توانمندسازی در جهت بهبود اسکان غیررسمی بهترین روش در جهت ورود به این محلات و آشنایی با نوع اسکان در سطح محلات و انتخاب روش متناسب با هر نوع از اسکان در سطح محلات، روش

مصاحبه عمیق می‌باشد که در محله توحید در قالب تشکیل **گروه‌های بحث** با ساکنین و نهادهای درگیر با مساله اسکان غیررسمی در سطح محله صورت گرفت. در قسمت بعد تحلیل قابلیتها محدودیتها و امکانات محله با توجه به مطالعات و مشاهدات میدانی و با استفاده از نتایج پرداخته شده نشان دادکه محله توحید به دلیل قرارگیری در ابتدای ورودی شهر بندرعباس با توجه به دارا بودن پتانسیل قوی نیروی انسانی و وجود عناصر و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر در همگرایی اجتماعی در زمینه نظام خویشاوندی و وابستگیهای قومی‌و وجود شرایط مساعد فرهنگی جهت اشتغال زنان به ویژه در زمینه ایجادکارگاه‌های خانوار شهری به همراه وجود زمینه‌های مناسب مشارکت افراد محلی در اشکال متعدد وقف و تشکیل سازمانهای خیریه به دلیل اعتقاد شدید اهل سنت به این امر و وجود بافت مذهبی دوگانه یکی از محلات زمینه‌ساز جهت کاربرد استراتژی توانمندسازی با دید شهرنگر به شمار می‌آید.

جمع‌بندی نتیجه گیری

با توجه به مسایل و مشکلات بررسی‌شده نتایج حاصله نشان می‌دهد که مشکل اسکان غیررسمی و نداشتن سند مالکیت به همراه فاضلاب معابر از مشکلات مهم برای موجود در محله می‌باشد. در همین رابطه نبود دسترسی امکان احداث سیستم فاضلاب و ارتباط‌دادن آن با سیستم فاضلاب شهری را غیرممکن می‌سازد. مشکل جمع‌آوری زباله نیز مربوط به مسئله عدم دسترسی است. ماشینهای جمع‌آوری زباله قادر به ورود به بافت محله‌ها نیستند. بدلیل اهمیت استراتژی توانمندسازی نگرش شهر محور با دوری جستن از دید صرف عمرانی در برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی ضروری می‌باشد. محورهای اساسی و اصولی پایه استراتژی توانمندسازی می‌بایستی بدنبال ایجاد همگرایی و یکپارچگی در نظام برنامه‌ریزی شهری و افزایش مشارکت‌ها و سازماندهی این مشارکتها از طریق برنامه‌های اجتماعی تعریف شده و استفاده از قابلیت ها و توانمندی‌های موجود محیطی باشد. اقدامات صورت گرفته و در حال انجام در چنین محیط‌هایی بایستی بدنبال اهداف زیر صورت پذیرد.:

۱. **یک: جلوگیری و کنترل گسترش این شکل از اسکان در سطح شهر و محله مورد بحث؛**

۲. **دوم: تعریف و اجرای برنامه‌های مناسب توانمندسازی و اجتماعی- اقتصادی در سطح محلات با توجه به قابلیتها و ظرفیتهای محیطی با دید شهرنگر باشد؛**

۳. **سوم: ارتقاء و بهبود زندگی اقشار کم‌درآمد ساکن در سطح محلات.**

در راستای بهبود کاربرد استراتژیهای توانمندسازی جهت بهبود اسکان غیررسمی اقدامات زیر امکان استفاده موثر و مناسب از این استراتژی را در سطح محله فراهم خواهد آورد:

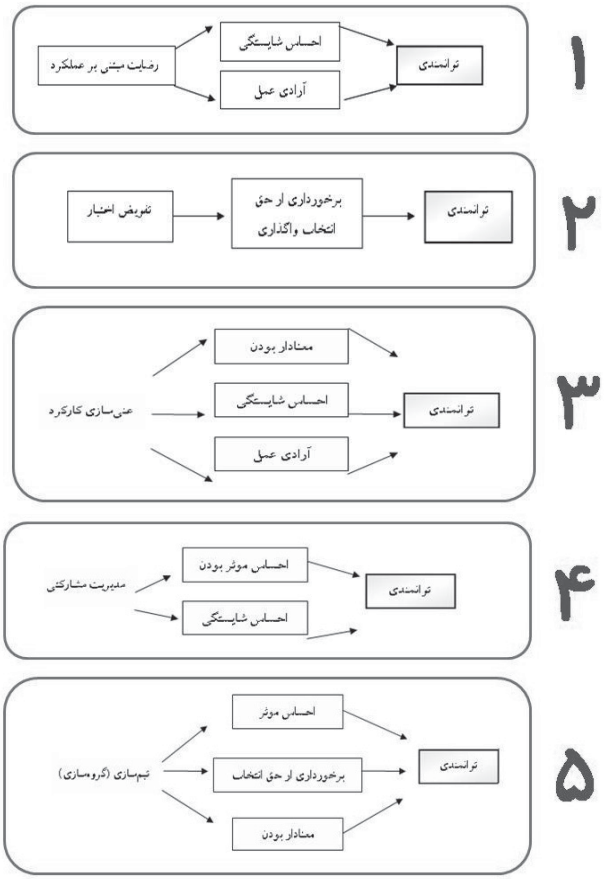

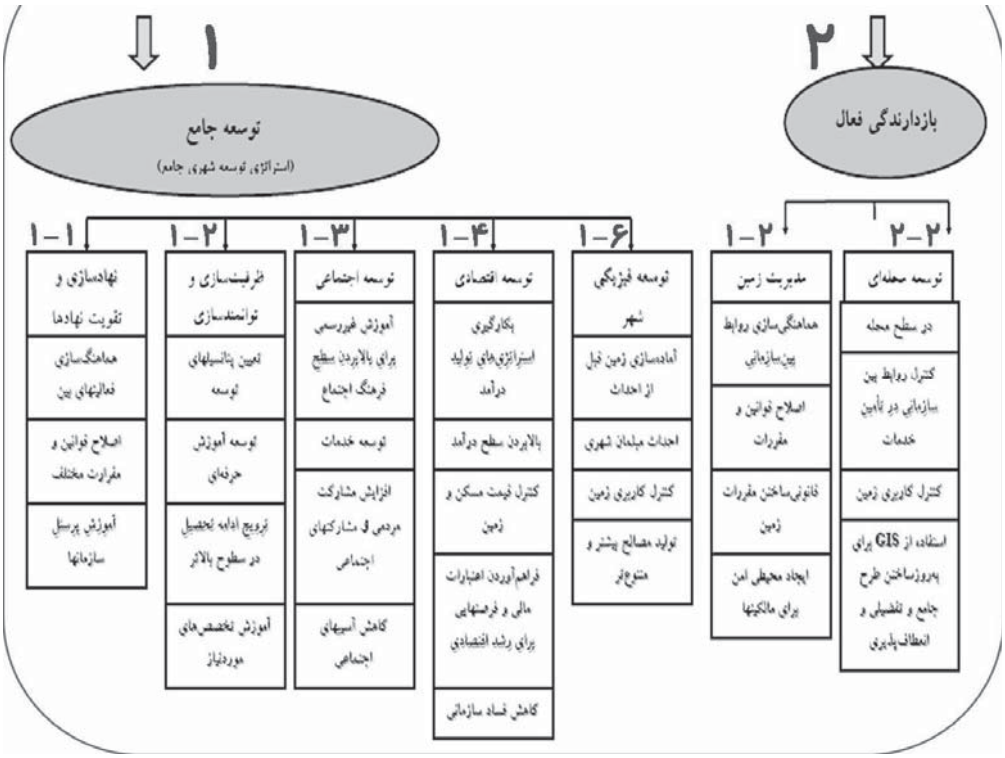

نمودار ۷. نحوه استقرار و مکان ایجاد سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

- تقویض اختیارات به مردم ساکن در مراکز غیر رسمی موجبات توانمندسازی آنها را فراهم می‌کند.
- رضایت مبتنی بر عملکرد به تقویت فرآیند توانمند سازی کمک می‌نماید.
- غنی‌سازی کارکرد اجتماعی گروهها به تقویت فرآیند توانمندسازی کمک می‌کند.
- مدیریت مشارکتی فرآیند توانمندسازی را تسهیل می‌کند.
- تشکیل گروههای اجتماعی می‌تواند نقش موثری بر فرآیند توانمندسازی مردم ساکن در مساکن غیررسمی داشته باشد.

در نهایت امر پیشنهادات باید معطوف به تصمیم توانمندسازی با استفاده از دو مدل توسعه یکپارچه و مدل پیشگیری با هدف کاهش اسکان غیررسمی و جلوگیری از گسترش آن در سطح محله می‌باشد. «استراتژی توسعه شهری یکپارچه» بدنبال ایجاد و طراحی ساختار مناسب جهت بسامان‌سازی فرآیند توسعه شهری در ابعادگوناگون برنامه‌ریزی است. هدف نهایی این استراتژی ارتقاء بخشیدن وضعیت موجود در همه ابعاد می‌باشد. در پایان به راهبردهای توانمندسازی اشاره شده است.

مآخذ و کتاب شناسی

۱. ایراندوست، کیومرث و صرافی، مظفر (۱۳۸۶) یاس و امید در سکونتگاه‌های غیر رسمی، نمونه موردی شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص۲۲۰-۲۰۱
۲. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴) بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر عملکرد شوراهای اسلامی‌شهر در توسعه محله ای، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۳. پیران، پرویز (۱۳۷۴) الونک‌نشینی در تهران، مجله‌ی اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره‌های ۸۸-۸۷، ۹۲-۹۱،
۴. جواهری پور، مهرداد و داورپناه، بابک (۱۳۸۱) سکونتگاه‌های ناپایدار اقشارکم درآمد شهری، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال سوم،

شماره هشتم، صص۹۵-۸۲
۵. حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵) سیری در نظریه‌های مهاجرت، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، پاییز ۸۵، صص ۳۶-۳۵
۶. حاج‌یوسفی، علی (۱۳۸۱) حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، فصلنامه‌ی هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، صص ۲۵-۱۲.
۷. حبیبی، محمدنبی (۱۳۷۷)، بررسی اثرات اقتصادی ـ اجتماعی اسکان گودنشینان جنوب تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۸. حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد، محمد رضا حائری (۱۳۶۳)؛ شهرنشینی در ایران؛ تهران، موسسه انتشارات آگاه
۹. حسین زاده، علی حسین، عبدالرضا نواح و مرتضی اسماعیلی (۱۳۸۷) بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر حاشیه نشینی در شهر بهبهان، فصلنامه توسعه انسانی، نشریه تخصصی دوره دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۷، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص ۱۱۱ - ۱۰۲
۱۰. خضرایی، فرزین (۱۳۸۱) توانمندسازی در اسکان غیر رسمی تجربه زاهدان، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره هشتم، صص۶۳-۵۴
۱۱. ربانی، رسول و فریدون وحیدا (۱۳۸۱) جامعه شناسی شهری، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان و سازمان سمت.
۱۲. زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۵۵) بررسی گروهی از حاشیه‌نشینان شهر تهران و نظری اجمالی به حاشیه‌نشینی در ایران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۳. سبزیان، سعید (۱۳۷۲) بررسی مهاجرت‌های روستایی در استان همدان، استانداری همدان، مرکز مطالعات فرهنگی استان همدان.
۱۴. سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۳) چارچوب برنامه ریزی روش گرا- ارتقاء سکونتگاه‌های غیر رسمی شهری (مورد: مطالعه بندرعباس)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۶۳-۱۴۹
۱۵. شیخی، محمد (۱۳۸۱) فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودرو پیرامون کلانشهر تهران، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره هشتم، صص ۵۱-۳۶
۱۶. صرافی، مظفر (۱۳۸۱) ویژگی‌های حاشیه‌نشینی، فصلنامه‌ی هفت شهر، سال سوم، شماره‌ی هشتم، ص ۹۱-۸۸.
۱۷. عسگری طباطبایی، اسدالله (۱۳۸۱) بررسی اجمالی از پدیده‌ی بافتهای پیرامونی و یا حاشیه‌نشینی در ایران، فصلنامه‌ی هفت شهر، سال سوم، شماره‌ی هشتم، صص ۱۰۲-۱۰۰.
۱۸. قاسمی اردهانی، علی، علی حسینی راد (۱۳۸۷) جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۵ و ۶۶، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
۱۹. قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۸) پیامدهای مهاجرت روستا- شهری نسل جوان روستایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۶۵ - ۱۴۵.
۲۰. قرخلو، مهدی و عبدی ینگی کند، ناصح و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸) تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی(مورد: شهر سنندج)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۶-۱
۲۱. مجتبی رفیعیان، جلد سوم پروژه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر بندرعباس با دید شهرنگر، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، بانک جهانی، شرکت مهندسین مشاور ساپ، ص ۴۶، ۱۳۸۲
۲۲. نقدی، اسداله و صادقی، رسول (۱۳۸۵) حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، صص۲۳۱-۲۱۳